



خبر دادند. در همان مقطع بود که مهندس آقازاده معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی اعلام کرد بازرسان آژانس بعد از این هر چند هفته یک بار زنجیره دیگری از سانتریفیوژها در ایران را خواهند دید. همچنین حمل سوخت نیروگاه اتمی بوشهر از روسیه به این محل، این نیروگاه را در آستانه بهره‌برداری قرار داده است و بنابر اخبار موجود در مهر ماه سال ۱۳۸۷ هزار مگاوات برق هسته‌ای از بوشهر وارد مدار برق کشور خواهد شد و بدین ترتیب ایران سی و یکمین کشور جهان خواهد بود که برق هسته‌ای تولید می‌کند، ضمن این که صنعت احداث نیروگاه هسته‌ای ایران به بوشهر محدود نمانده و ایجاد نیروگاه بومی ۳۶۰ مگاواتی دارخوین در مرحله طراحی و ساخت قرار دارد و مناقصه احداث دو واحد نیروگاه هسته‌ای هزار مگاواتی هم اعلام شده است، با توجه به نیاز کشور و تصویب مجلس مبنی بر تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای در سال‌های آینده و حرکت ایران به سمت ساخت نیروگاه‌های اتمی، اصرار کشور به خودکفایی در تولید سوخت هسته‌ای حداقل برای تأمین بخشی از نیازهای سال‌های نه چندان دور آینده بیشتر قابل درک خواهد بود.

● عبور ایران از نقطه غیرقابل بازگشت هسته‌ای

در زمینه برخورداری ایران از توان عملی در اعمال حق غنی‌سازی و میزان برخورداری از اورانیوم غنی شده و سطح تکنولوژی، کشورمان حالا به مرحله و نقطه غیرقابل بازگشت رسیده است.

این مهم که به تأیید بازرسان آژانس اتمی رسیده همان مرحله‌ای است که آمریکا و سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان بسیار تلاش کردند ایران به آن نرسد ولی سال ۸۶ سال عبور ایران از این خط و قطع نوار پیروزی برای ایران بوده است.

در کنار این دستاوردهای فنی در زمینه سیاسی نیز دستاوردهای عظیمی نصیب ملت ایران شده است، بازگشت نسبی اعتبار آژانس اتمی به این نهاد - هرچند آمریکا و سه دولت دیگر غربی به شدت این اعتبار را مخدوش کردند- ارائه گزارش مجموعه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی آمریکا در خصوص این که فعالیت‌های هسته‌ای ایران جهت‌گیری نظامی ندارد که این مهم نتیجه مقاومت و ایستادگی ملی در برابر فشارها بود و با وجود ناصح برن، شیرینی اعتراف دشمن را برای ایرانیان داشت و در نهایت مخومه اعلام شدن شش ابهام مهم برنامه هسته‌ای ایران از طرف آژانس اتمی و پایان موفقیت آمیز طرح اقدام یا مدالیته همکاری‌ها بین ایران و آژانس، در فهرست دستاوردهای عظیم دست‌اندرکاران ایرانی موضوع هسته‌ای و ملت ایران در سال ۸۶ قرار دارند. نکته حائز اهمیت این که بنابر طرح مدالیته در پایان حل و فصل و مخومه اعلام شدن ابهام‌ها، موضوع ایران در آژانس باید به حالت عادی درآمده و مانند امور دیگر کشورها مورد پیگیری قرار گیرد.

در برابر این رویکردها و دستاوردهای مهم طرف غربی و آمریکا البته بیکار ننشسته رویکرد قطعی و ایجاد فشار کاذب سیاسی را پیگیری کرده‌اند، همچنین یک اقدام دیگر آنها که نشانه بارز نگرانی‌شان از گزارش اسفند (مارس) البرادعی و اعلام حکم برائت کامل ایران از سوی آژانس بود، تلاش شتابزده‌شان در طرح مواردی ادعایی موسوم به مطالعات ادعایی به آژانس و ربط دادن فعالیت‌های هسته‌ای ایران به برنامه‌های دفاعی موشکی بود که این موضوعات به علت بی‌اساس بودن و فقدان مبنا و دلایل روشن از طرف آژانس به عنوان موضوع شناخته نشده در همان قالب مطالعات ادعایی به ایران ارائه و ارزیابی ایران مبنی بر بی‌اساس بودن شان توسط آژانس اخذ شد.

حالا برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب روی همین ادعاها معرکه‌گیری کرده و به این جنجال‌های بی‌اساس و فاقد مبنا اویخته‌اند تا حرکت خود در مسیر قطعی‌سازی را توجیه کنند، هرچند این روند بی‌بنیان ناراضی‌سازی مدیر کل آژانس اتمی را هم موجب شده و وی که در آستانه انتشار گزارش مارس فشار زیادی تا حد تهدید به مرگ از سوی صهیونیست‌ها را تجربه کرد، نسبت به تخریب اقدامات آژانس هشدار داد.

طرح مطالعات ادعایی و صدور قطعنامه در روزهای پایانی سال از طرف غرب همراه با تأکید آنها به از سر گرفته شدن مذاکرات نماینده ۵+۱ با ایران صورت گرفت که این خود نشان از آن دارد که طرف غربی بی‌اثربودن اقدامات به ظاهر تنبیهی خود نسبت به ایران را باور کرده و البته اگر به این سبک و سلیقه ادامه می‌دهد، لایند به دلیل اقتضای طبیعت اش است!

اقدامات آنها در قیاس با دستاوردهای ملت ایران در موضوع هسته‌ای اگر حتی تنها وقایع و رخدادها سال ۸۶ را هم ملاک قرار دهیم نشان می‌دهد که ضرر و زیان واقعی متوجه کدام طرف بوده است؟

آنها نخواسته‌اند ایران به توانمندی استراتژیک هسته‌ای برسد و در این جهت مبنا یا در واقع بهانه‌هایی را مطرح کرده‌اند امروز با گزارش‌های نوایسر و مخصوصاً مارس مدیر کل آژانس اتمی هم این میناها و بهانه‌ها از بین رفته و دلیل منطقی حتی از نظر افکار عمومی غرب برای باقی ماندن پرونده ایران در شورای امنیت وجود ندارد و هم ایران هسته‌ای شده است، روشن است چه کسی به اهدافش رسیده و شاهد موفقیت همنشین کیست؟

حالا اگر طرف غربی به صدور قطعنامه آن هم با اعمال فشار و

در سال ۸۶ ایران از خط پیروزی گذشت و علاوه بر اعمال حق قانونی خویش و گردش سانتریفیوژهاش و زمینه‌سازی فعالیت‌های آینده، سوخت اتمی نیروگاه بوشهر را نیز به‌دست آورد و در سومین ماه زمستان حکم نهایی سلامت فعالیت‌ها و حل همه ابهام‌های مهم در فعالیت‌های هسته‌ای خویش از نظر آژانس اتمی را از این نهاد ذیصلاح جهانی دریافت کرد

صرف هزینه زیاد به دیگر کشورها راضی است به قولی نباید عیش آنها را منقص کرد، منتها این عیش و خوشی برای ناظرین آگاه بسی مضحک است چون به لحاظ شکل و محتوایی نتیجه و بدقواست، قطعنامه‌ها آنها با اجماع صادر نشده و کشوری مثل آفریقای جنوبی از اعضای غیر دائم شورای امنیت به قطعنامه‌شان رأی مثبت می‌دهد و بعد هم در مصاحبه علیه قطعنامه صحبت کرده و از بی‌توجهی قدرت‌های شورای امنیت به گزارش آژانس اتمی گلایه می‌کند، نماینده این کشور بلافاصله بعد از رأی‌گیری درباره قطعنامه اسفندماه شورای امنیت می‌گوید: توقف غنی‌سازی در ایران نباید هدف باشد، هدف جلوگیری از انحراف به سمت مقاصد نظامی هسته‌ای است و با روشن شدن ابهام‌ها حالا که این هدف تأمین شده است، قطعنامه برای چیست؟

این سخنان معنایی جز آن ندارد که رأی این کشور همچون بسیاری دیگر به قطعنامه زورکی و تحت فشار بوده است این اقتضای بین‌المللی است که قاطبه کشورها و حتی اعضای شورای امنیت به حکم اصول روشن و بدیهی نیازی به صدور قطعنامه تحریم علیه ایران ندیده و این را به احتیاج مختلف بگویند و از چین و اندونزی تا آفریقای جنوبی و ونزوئلا همین را بگویند اما قطعنامه‌ها تصویب شوند، این جز اقتضای بین‌المللی و حاکمیت علی‌القانون جنگل نیست، البته هزینه و آبروبری این نوع اعمال زور در دنیا بسیار افزایش پیدا کرده است. دردناک برای بانیان قطعنامه شورای امنیت آن که کارایی و تأثیر این نوع اقدامات در دنیای امروز به حداقل ممکن رسیده و از کار فروپشته آنها گریه نمی‌گشاید؛ به قول دکتر سعیدی معاون بین‌الملل سازمان انرژی اتمی، امروز کار بانیان قطعنامه علیه ایران مانند بیلیارد بازی کردن با شلنگ است.

اگر شلنگ بتواند توب بیلیارد را حرکت بدهد، آنها نیز موفق می‌شوند و البته که بازی بیلیارد با شلنگ برای تماشاگران و ناظرین خنده‌آور و مضحک است.

● وقایع نگاری نبرد دیپلماتیک هسته‌ای در سال ۸۶

ضرب‌یافتن هسته‌ای سال ۸۶ آنقدر تند و پرشتاب است که در پایان سال کوبی همه رویدادها ظرف چند ماه و نه یکسال به وقوع پیوسته‌اند، خاصه از آن‌رو که برآیند آنها جز احساس غرور و عزت ملی و صیانت و اعمال حقوق هسته‌ای کشور و اثبات سلامت و صحت فعالیت‌ها به تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیست.

در تعطیلات نوروزی ایرانیان پنج عضو دائم شورای امنیت قطعنامه دوم تحریم علیه ایران را در پنجم فروردین به تصویب شور رساندند، قطعنامه ۱۷۴۷ از پس قطعنامه ۱۷۳۷ علیه ایران صادر شد که در زمستان قبل صادر شده و اصلی‌ترین خواسته‌اش از ایران توقف غنی‌سازی اورانیوم بود و خواستار توقف فعالیت و تحقیقات دانشمندان ایرانی در این زمینه بود، این قطعنامه برخی شخصیت‌های حقیقی و شرکت‌های دست‌اندرکار و نزدیک به سپاه پاسداران و فعالیت‌های هسته‌ای را مشمول تحریم قرار داد.

پس از صدور این قطعنامه ایران فعالیت‌های قانونی غنی‌سازی خویش را سرعت بخشید و در روز ملی فناوری هسته‌ای (۲۰ فروردین) رئیس‌جمهور ورود ایران به مرحله صنعتی تولید سوخت هسته‌ای را در محل سایت نظارت اعلام کرد، این اقدام از سوی صاحب‌نظران داخلی و خارجی واکنش منطقی توصیف شد، البرادعی مدیر کل آژانس اتمی و شماری از مقامات غربی کماکان بر قابل حل و فصل بودن مسائل از طریق گفت‌وگو تأکید کردند و این در حالی بود که ایران ارتباط و همکاری خود با آژانس را حفظ کرده و ادامه داد.

اعضای دائم شورای امنیت و آلمان (گروه ۵+۱) که نتایج حاصله را دور از خواست خود می‌دیدند، نماینده خویش را به گفت‌وگو با ایران ترغیب کردند و پس از چند گفت‌وگوی تلفنی و رایزنی، علی‌الریحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و خاور سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و نماینده گروه ۵+۱ در آنکارا با یکدیگر ملاقات کردند، ملاقات ۵ اردیبهشت این دو در آنکارا پس از ملاقات قبلی‌شان در برلین و هم‌راه سال ۸۵ و تعلیقی چندماهه در مذاکراتشان صورت گرفت. این مذاکرات که از سوی دو طرف سازنده خوانده شد بیشتر حول وحوش دستیابی به پارادایم مشترک برای رفع نگرانی‌های طرفین سپری شد و قرار دور بعدی آن در خردادماه گذاشته شد، مالدرد ایستگاه بعدی ملاقات نمایندگان ایران و گروه ۵+۱ بود تا طرفین نتایج بررسی‌های خود را ۱۰ خرداد روی میز مذاکره بگذارند، در این مذاکرات طرفین طرح و ایده‌هایی را روی میز مذاکره گذاشتند، طبیعی بود که با مذاکره نکردن ایران بر سر تعلیق به علت غیرقانونی و فاقد مبنا بودن آن و نیز تجربه تعلیق داوطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای در قیل که موجب گسترش دامنه درخواست‌های غرب شده و غرب از آن تعبیر توقف و یا دست‌انبریز تبلیغات برای به محاق کشاندن فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران داشت، ابتکارات و پیشنهادات ایران بیشتر پیش رفته و در دستور مذاکره قرار گرفت، گفته شده اولین مرحله از ابتکار ایران برای یک همکاری جامع با آژانس اتمی در این مذاکرات مطرح شد.

لیسون پرتغال در دوم تیرماه میزبان بعدی لاریجانی و سولانا بود، در همان مقطع ملاقات و مذاکراتی با محمد البرادعی مدیر کل آژانس در وین صورت گرفت و به روی نقشه کاری و مدالیته همکاری ایران و آژانس توافق شد تا از طریق آن آژانس به پاسخ‌های لازم درباره مهمترین ابهامات خود در ایران برسد، بر این اساس تیم بازرسان آژانس در ۲۰ تیرماه به ریاست اولی‌هایونون معاون مدیر کل آژانس اتمی برای تهیه طرح ملموس و عینی رفع تردیدهای آژانس به تهران آمد. ششم شهریور متن توافق ایران و آژانس منتشر شد که در آن آژانس